

طالبان خطری جدی برای امنیت ملی

نهضت آزادی ایران ضمن عرض تسلیت به مناسبت شهادت ۹ تن از هموطنان در مزار شریف، همگام با ملت شریف ایران و همه انسان‌دوستان جهان، جنایات هولناکی را که گروه مرتجع و متحجر طالبان زیر نام شریعت اسلام و با حمایت سیاسی، نظامی و مالی قدرتهای بیگانه در چند سال گذشته و به‌ویژه پس از تصرف مزارشریف با قتل و حبس و شکنجه مخالفان خود و مردم بیگانه و بی‌دفاع افغانستان و نیز تعدادی از شهروندان میهن عزیز ما مرتکب شده است و اینک نیز، برحسب اخبار دریافتی، در بامیان ادامه دارد شدیداً محکوم می‌کند و از همه دولتهای ذی‌ربط و ذی‌نفع در افغانستان، سازمان ملل متحد، مجامع مدعی دفاع از حقوق بشر و شخصیت‌های انسان‌دوست و صلح‌طلب انتظار دارد که با تمامی امکانات خود برای جلوگیری از خونریزی بیشتر و فراهم کردن زمینه برای برقراری صلح و آرامش و استقرار یک دولت فراگیر مورد قبول ملت مظلوم افغانستان اقدام کنند.

ضمناً بدون آن‌که بخواهیم در محکومیت طالبان خدشه‌ای ایجاد کنیم، به منظور عبرت‌آموزی از گذشته و چاره‌جویی برای آینده ناگزیریم مطالبی را یادآوری کنیم و در پی آن هشدار می‌دهیم.

یکی از عوامل مهم شکل‌گیری و قدرت‌یابی طالبان آغاز جنگ قدرت بین احزاب و گروه‌های جهادی افغانستان پس از پیروزی آنها بر نیروهای شوروی سابق و آزادسازی کشورشان بوده است. اینان برخلاف مصالح عالی کشور و ملتشان و به رغم توصیه‌های خیرخواهان- از جمله نهضت آزادی ایران، در نامه مورخ ۷۲/۱۱/۱۴ با امضای شادروان مهندس بازرگان به رهبران افغانستان- آن‌چنان به جان هم افتادند و به کشتار و قلع و قمع یکدیگر و مردم عادی پرداختند که دولتهای ذی‌نفع در افغانستان با استفاده از هرج و مرج داخلی و خلأ قدرت با علم کردن گروه جدیدی به نام طالبان و به دست آن قسمت اعظم خاک این کشور همسایه را در کنترل خود درآوردند و قصد دارند که دولت دست‌نشانده خود را در آن مستقر کنند.

متأسفانه ضعف دیپلماسی دولت جمهوری اسلامی ایران نیز یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز تشدید بحران در افغانستان و از جمله قتل فجیع خبرنگار، دیپلماتها و چند شهروند دیگر ایرانی و اسارت تعدادی دیگر به دست طالبان بوده است. همان‌طور که در گذشته نیز بارها تذکر داده‌ایم، سیاست خارجی ایران از سال ۵۹ به بعد در راستای دشمن‌سازی و دلسردکردن دوستان بالفعل و بالقوه ایران بوده است و دولت ایران با وجود پشتیبانیهای مالی و سیاسی از برخی کشورهای منطقه هیچگاه نتوانسته است از دوستی و حمایت آنان در حل مسائل مهم جهانی و منطقه‌ای بهره‌مند شود. ذکر جزئیات در این مورد نیاز به تحلیل تفصیلی دارد که در این بیانیه نمی‌گنجد، ولی در مورد افغانستان به طور اخص می‌توان گفت که ایران از یک‌سو با عدم توفیق در حصول توافق با دولت پاکستان درباره تأمین نیازهای آن کشور به انرژی

(سوخ) و غیره زمینه گرایش یافتن پاکستان به راه‌حلا و منابع دیگر را فراهم کرد و از سوی دیگر به جای آن که حداکثر تلاش خود را برای وادار کردن پاکستان به اقدام مشترک برای آشتی دادن گروه‌های درگیر در بحران افغانستان (ائتلاف‌های هفت‌گانه و هشتگانه و غیره) و حل قضایا از طریق غیر نظامی به کار برد، با جانبداری از گروه‌های معین و بعضاً متخاصم یکدیگر در افغانستان، عملاً خود را در مقابل پاکستان و طالبان قرار داد. در ماجرای تأسفانگیز اخیر نیز عدم احتیاط و درایت کافی در تشخیص وضعیت بحرانی و عدم اقدام سریع در خارج کردن شهروندان ایرانی از صحنه خطر، بهانه‌ای برای طالبان فراهم کرد که کشتار خود را تحت عنوان رویارویی با مخالفان در بحبوحه جنگ توجیه کند و حتی از عذرخواهی به خاطر ارتکاب این جنایت و جبران ضایعات خودداری نماید. البته پس از تشکیل دولت آقای خاتمی کوشش‌های مؤثری در راستای تنش‌زدایی در سیاست خارجی صورت گرفته و نتایج مثبت و قابل‌تحصینی به بار آورده است؛ ولی از یک سو، ترمیم ضایعات گذشته نیاز به زمان و تلا زیاد دارد و از سوی دیگر، ساختار وزارت امور خارجه هنوز به طور بنیادی تغییر نیافته و بسیاری از مسئولان سیاستگذاری یا عوامل اجرای سیاست‌های مصوب از شایستگیها و تواناییهای لازم برای ایفای نقش مؤثر و مفید برخوردار نیستند. ضمناً وزارت امور خارجه را نمی‌توان به تنهایی مورد سرزنش قرار داد و مقصر منحصر به فرد دانست، زیرا دخالتها و موضع‌گیریهای نهادها یا اشخاص مسؤول و غیر مسؤول دیگر در مسایل مربوط به سیاست خارجی نیز مانع مهمی برای تدوین و اجرای یک برنامه و سیاست منسجم بوده و زیگزاگها و تناقضات متعددی را باعث گردیده است.

در هر حال، ادامه بحران فعلی افغانستان برای همه کشورهای منطقه، به ویژه ایران، بسیار خطرناک بوده، برخورد با آن نیاز به هشیاری، درایت و آینده‌نگری فراوان دارد. دشمنان ایران، به ویژه دولت غاصب اسرائیل، بسیار مایلند که پای ایران را به معرکه وارد کنند و بار دیگر جنگی را که می‌تواند به مراتب خانمانسوزتر از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران باشد برکشور عزیز ما- که هنوز داغ عزیزان خود را بر دل و بار سنگین جبران خسارات عظیم جنگ قبلی را بدوش دارد- تحمیل کنند و توش و توان چند کشور اسلامی را در جنگی که برنده اصلی یا تنها برنده آن قدرتهای استعمارگر و دشمن اسلام خواهند بود، تحلیل ببرند. گروه‌های ضد انقلاب نیز که از هر فرصت برای ضربه زدن به نظام و دولت جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند، محمل مناسبی برای اجرای مقاصد خود خواهند یافت. در داخل کشور هم برخی از جناحها که مصالح جناحی خود را در شرایط بی‌نظمی و تعطیل روندهای قانونی قابل تأمین می‌دانند و نیز افرادی با تفکرات نظامیگری، از شعله‌افکنی و کوبیدن طبل جنگ پرهیز نمی‌کنند.

بدون شک، آماده شدن برای دفاع در برابر حملات احتمالی دشمنان و یا برگزاری مانورهای نظامی برای ارباب دشمنان و استفاده از آن در مذاکرات سیاسی و هر گونه تلاش در زمینه‌های سیاسی و دیپلماتیک از وظایف اساسی دولت است و نهضت آزادی ایران از هر گونه اقدام دولت ایران در این زمینه‌ها پشتیبانی می‌کند. افکار عمومی جهانی نیز در شرایط فعلی- که ملت ایران مظلوم واقع شده و مورد تهدید می‌باشد- با دولت و ملت ایران همراه و همدرد است ولی نگرانی جدی آن است که در صورت ورود نیروهای ایران به خاک افغانستان، همان طور که در مورد عراق رخ داد، ورق برگشته و کشور ما علاوه بر قبول مخاطرات شدید جنگ در داخل سرزمین افغانستان، معادله سیاسی جهانی را به نفع طالبان بر هم

زده، همانند نیروهای آمریکایی در ویتنام و نیروهای روسی در افغانستان در باتلاق گریزناپذیری گرفتار گردد.

بنابراین، نهضت آزادی ایران ضمن ابراز انزجار از اعمال طالبان و محکوم کردن شدید آن، به همه تصمیم‌گیرندگان و دولتمردان، نیروهای نظامی و گروه‌های سیاسی اکیداً توصیه می‌کند و هشدار می‌دهد که از غلتیدن ناخواسته در دامهایی که بر سر راه دولت و ملت ما گسترده‌اند به شدت پرهیز کنند و با صبر و درایت و دوراندیشی تحت تأثیر تحریکات خناسان و جنگ‌افروزان قرار نگیرند و با اتخاذ سیاستهایی متین، استوار و غیرانفعالی، ضمن پرهیز دادن ملت غیور ایران از هر گونه شتابزدگی، در راستای دفاع از منافع ملی و احقاق حقوق مشروع ایران بکوشند.

امید است که خداوند حکیم و خبیر نیز همگان را در این صبر و تلاش یاری فرماید و ظالمان را به سزای اعمالشان برساند.

نهضت آزادی ایران